

تبیین مدل نظری برای خودتمایزسازی، راهبرد های مقابله ای و تعهدزناشویی زوجین

Explanatory theoretical Model for Differentiation of Self, Coping Strategies and marital commitment of couples

دکتر ناصر یوسفی

عضو هیات علمی مشاوره خانواده دانشگاه

کردستان

آزاد قربانی

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

آرمان عزیزی

دانشجوی دکتری مشاوره خانواده

Dr Nasser Yousefi

Member of the Faculty of Family
Counseling, University of Kurdistan

Azad Ghorbani

Master of Family Counseling

Arman Azizi

Ph.D. student of family counseling

Abstract

The most important aspect of marital relationship is commitment which has relation with love, satisfaction and stability of marriage. Understanding variables that set the conditions for marital commitment is very important. The aim of this present study is to develop a model to differentiation of self, coping strategies, and the marital commitment. The research was a descriptive-correlational study. The population consisted of all teachers and their spouse who were teaching in the academic in Kamyaran, Iran in 2016. The sample consisted of 500 parents (250 couples) who were selected by simple sampling method and completed differentiation of self, coping with stressful situations and marital commitment. The data from the questionnaires were analyzed using AMOS software. The Results indicate a positive and significant relationship between marital commitment with coping strategies and I position. Also negative and significant relationship was observed between marital commitment and emotion-focused coping strategies. Also there are significant positive correlations between the ask-oriented

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تدوین مدل روابط خودتمایزسازی، راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه پژوهش همه معلمان مدارس شهر کامیاران و همسرانشان بودند که در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ مشغول به تدریس بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۲۵۰ زوج (۵۰۰ نفر) انتخاب شدند. هر نفر پرسشنامه‌های تمایز یافتگی، سبک‌های مقابله با شرایط پر استرس و تعهد زناشویی را پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با دو نرم افزار **Spss** و **Amos** انجام شد. نتایج بیانگر رابطه مثبت و معنی‌دار بین تعهد زناشویی با مقابله مسئله‌مدار و با جایگاه من می‌باشد. همچنین رابطه منفی و معنی‌داری بین تعهد زناشویی و مقابله هیجان‌مدار مشاهده شد. از طرفی رابطه مثبت و معنادار بین مقابله مسئله‌مدار و جایگاه من، بین مقابله هیجان‌مدار با واکنش عاطفی و با آمیختگی با دیگران وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد سطح

coping and I position, and between emotion-oriented coping and reactivity emotional and With others fusion. The results indicate that levels of differentiation and coping strategies can be a good predictor of marital commitment. Therefore, Modification these two variables we can enhance marital commitment.

Keywords: Marital Commitment, Coping Strategies, Differentiation of self.

خودتمایزسازی افراد و راهبردهای مقابله‌ای آنها می‌تواند پیش‌بین خوبی برای تعهد زناشویی باشد.

واژه های کلیدی: تعهد زناشویی، راهبردهای مقابله‌ای، تمایز یافتگی.

مقدمه

تعهد مهمترین جنبه کیفی یک رابطه است و در لغت به معنای عهد و پیمان بستن می باشد (امانی و بهزاد، ۱۳۹۰). هر ازدواج موفق سه رکن اساسی جاذبه، تفاهم و تعهد دارد. تعهد موجب احساس امنیت روانی می شود و بدون تعهد هرگونه رابطه ای سطحی، ظاهری و بدون سمت و جهت خواهد بود (موسکو، ۲۰۰۹). استرنبرگ نیز تعهد را یکی از اجزای اصلی عشق می داند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۴). تعهد زناشویی به معنای وفادار ماندن به خانواده و اعضای آن هنگام غم و شادی، خوشی و ناخوشی و تعهد بر مبنای احساس و عاطفه و هم بر پایه قصد و نیت می باشد (مک کارتی^۱، ۱۹۹۹). چهار سطح اصلی تعهد عبارت است از: ۱- تعهد به اینکه زوجین از لحاظ جنسی و احساسی (عاطفی) «تک همسر» باشند. ۲- تعهد زوجین به اینکه در جهت خلق صمیمیت و ارتباط احساسی بر روی رابطه شان کار کنند. ۳- تعهد زوجین به اینکه آینده شان را با یکدیگر زندگی کنند. ۴- تعهد زوجین به اینکه تا پایان عمر با یکدیگر زندگی خواهند کرد (دی آنجلیس^۲، ۱۳۸۲). نشان و عیار تعهد، مسئولیت است که معیاری فراهم می آورد که زوجین خود را با آن بسنجند (بک^۳، ۱۳۸۸). سطوح بالای تعهد زناشویی با ابراز عشق بیشتر، سازگاری و ثبات زناشویی بالاتر، مهارت های حل مسئله مناسب تر و رضایت زناشویی رابطه دارد (کاپینوس و جانسون^۴، ۲۰۰۳؛ مسترز^۵، ۲۰۰۸؛ تیلگمن^۶، ۲۰۰۸).

¹ Mosako

² MacCarthey

³ Angelis

⁴ Beck

⁵ Kapinus & Johnson

⁶ Masters

⁷ Tilghman

تعهد در یک رابطه شامل توافق و قصد بر حفظ رابطه در دراز مدت است و بر شرایطی که زوج ها را کنار هم نگه می دارد، تاکید می کند و در واقع ثبات جزء اصلی تعهد می باشد (ایمپت^۱، ۲۰۰۱). زوجینی که در مورد تعهد خود در برابر همسر و دیگران به بلوغ فکری لازم نرسیده و رفتاری دوسوگرایانه را تعقیب می کنند، در ازدواج و کار کردن با دیگران دچار مشکل خواهند شد و غالباً نتیجه این امر، بی وفایی خواهد بود (اولیاء، ۱۳۸۸). آدامز و جونز^۲ تعهد زناشویی را بر مبنای سه اصل رضایت زناشویی، احساس وظیفه جهت ادامه دادن به رابطه و وحشت از پیامدهای ناگوار پایان دادن به ازدواج دانسته اند (موسکو^۳، ۲۰۰۹). در این زمینه کاپینوس^۴ و جونز (۲۰۰۳) سه نوع تعهد زناشویی را مشخص کردند:

۱- تعهد به همسر، که به معنای تمایل فرد برای باقی ماندن در رابطه است و این سه عامل یعنی افراد موجود در رابطه، جذب رابطه شدن و هویت زوج ها در آن اثر گذار می باشد.

۲- تعهد اخلاقی، عملی است که فرد اخلاقاً متعهد می شود که به رابطه ادامه دهد و شامل اعتقاد به ارزش هایی مانند: عمل به قول خود، حفظ ازدواج به عنوان یک نهاد اجتماعی و اخلاقی و احساس دین به همسر (کاوی، ۱۳۸۸). ۳- تعهد اجباری، که به معنای ادامه دادن اجباری به ازدواج به خاطر وضعیت فرزندان، مسایل مالی و... است (نجاریان پور، ۱۳۸۷؛ کریمیان، کریمی و بهمنی، ۱۳۹۰). زوجینی که نسبت به هم تعهد بیشتری دارند؛ از همسازی بیشتر، ارتباط موثرتر و مشکل گشایی کارآمدتر برخوردارند (براند، براون و راگس دیل^۵، ۲۰۰۵). فلیپ رایس^۶ (۱۹۸۷) معتقد است که تعهد در تلاش یا عدم تلاش زوج ها برای حل مشکلاتشان نقش مهمی دارد (امانی و بهزاد، ۱۳۹۰).

یکی از ابعاد روابط زناشویی، راهبرد های مقابله با استرس است که زوجین هنگام مواجهه با مشکلات زناشویی به کار می گیرند (پیت و کایسر^۷، ۲۰۰۶). استرس به عنوان یک پدیده روان شناختی از عوامل مهم در بروز بسیاری از اختلالات روانی است (سولاز، سالتن

¹ Impett

² Adams & Jones

³ Mosko

⁴ Kapinus

⁵ Brandau-brown & Ragsdale

⁶ Philip Rice

⁷ Pihet & Kayser

و گاراچاگا^۱، (۲۰۱۲) و از این رو در سال های اخیر استرس و راهبردهای مقابله با آن که به کیفیت زندگی نیز ارتباط معنادار دارد، در گروه های مختلف بسیار مورد توجه قرار گرفته است (چنگ، کو و لی^۲، ۲۰۱۲).

مقابله واجد یک مفهوم معین نیست بلکه اصطلاحی است که مفاهیم متفاوت را زیر پوشش خود قرار می دهد و می توان آن را با اصطلاح های متعددی مانند راهبردها، تدبیرها، پاسخ ها، شناخت ها یا رفتارها مشخص کرد (شوالتزر و شوالتزر^۳، ۱۹۹۶). شیوه های مقابله، راهبردهای شناختی و رفتاری می باشد که برای کنترل یک موقعیت کنترل کننده زندگی از سوی افراد به کار گرفته می شوند (تانگیر، لپمن و گلاسر^۴، ۲۰۱۰). این شیوه های مقابله ای که آموخته شده و اکتسابی است و عوامل ژنتیک نیز در آن نقش دارند، ممکن است تغییر کرده و رشد یابد و خانواده نقش مهمی در تمرین استفاده فرزندان از راهبردهای مقابله با رویدادهای پراسترس دارد (غضنفری و قدم پور، ۱۳۸۷؛ کوان^۵، ۲۰۰۴؛ آریتا^۶، ۲۰۰۸، نیاگرن، کارستنسن و لودویگسون^۷، ۲۰۱۲).

سیک های مقابله هیجان مدار و اجتناب مدار با آشفتگی روان شناختی ارتباط دارند (کاریکلا و پاناییتو^۸، ۲۰۱۱). لازاروس و فولکمن^۹ (۱۹۸۴) راهبردهای مقابله را به عنوان مجموعه ای از پاسخ های رفتاری و شناختی که هدفشان به حداقل رساندن فشارهای موقعیت استرس زا است تعریف کرده اند. هر چند راهبردهای مقابله ای فعالیت های زیادی را شامل می شوند، اکثر آنها مبین تلاش برای بهبود یک موقعیت دشوار مثل طراحی نقشه و اقدام عملی (مقابله مسئله مدار) یا برای تنظیم درماندگی هیجانی مثل جستجوی دیگران برای حمایت عاطفی یا کاهش شدت دشواری موقعیت از نظر شناختی (مقابله هیجان مدار) هستند (چراغی، ۱۳۸۹). راهبردهای مقابله ای موثر باعث می شوند که واکنش فرد به سطوح

¹ Soulas, Sultan & Gurruchaga

² Cheng, Kuo & Lee

³ Schwarzer & Schwarzer

⁴ Tangir, Lippman & Glaser

⁵ Coan

⁶ Arieta

⁷ Nygren, Carstensen, & Ludvigsson

¹³ Karekla, & Panayiotou

⁹ Lazarus & Folkman

بالای تنیدگی کاهش یابد و آثار زیانبار آن تعدیل شود (فرزین راد، اصغر نژاد و یزدان دوست، ۱۳۸۹).

سه راهبرد مقابله ای اصلی عبارت اند از: راهبرد مقابله ای مسئله مدار، اجتناب مدار و هیجان مدار است (اندلر و پارکر^۱، ۱۹۹۰). راهبرد مقابله ای مسئله مدار شیوه هایی را توصیف می کند که بر اساس آن فرد اعمالی را که باید برای کاهش یا از بین بردن یک عامل تنیدگی زا انجام دهد، محاسبه می کند. راهبردهای مقابله ای اجتنابی مستلزم فعالیت ها و تغییراتی شناختی است که هدف آنها اجتناب از موقعیت تنیدگی زا می باشد. راهبردهای مقابله ای هیجان مدار شیوه هایی را توصیف می کند که بر اساس آن فرد بر خود متمرکز شده و تمام تلاش او متوجه کاهش احساسات ناخوشایند خود می باشد (هالاماندریس و پاور^۲، ۱۹۹۹). به طور کلی هرچه امتزاج خانواده بیشتر باشد، احتمال اضطراب و بی ثباتی بیشتر خواهد شد و تمایل خانواده برای یافتن راه حل از طریق جنگ و نزاع، فاصله گیری و اختلال در عملکرد بیشتر خواهد شد (استینبرگ و سیلبرگ^۳، ۲۰۱۲). به نظر بوون درجه توانایی فرد برای اجتناب از تبعیت رفتار خودکار از احساسات، بیانگر میزان تفکیک خویشتن است (سیدمحمدی، ۱۳۸۹). افراد تمایز یافته برای سهمی شدن در اضطراب به آسانی تحت تاثیر دیگران قرار نمی گیرند (پینو^۴، ۲۰۱۲). مفهوم خود متمایز سازی اساسی ترین مفهوم نظریه بوون^۵ است که به منظور تبیین عملکرد خانواده به کار می رود (بوون، ۱۹۷۸، نقل از یوسفی و همکاران، ۱۳۸۹؛ کلور^۶، ۲۰۰۹). خود متمایز سازی، توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلی، احساسی، صمیمیت و خود مختاری خویش از دیگران است (بوون، ۱۹۷۸؛ اسکورن و دندی^۷، ۲۰۰۴).

خود متمایز سازی شامل دو بعد درون روانی و بین فردی می باشد. بعد درون روانی خود متمایز سازی موجب رشد الگوهای خود انعکاسی به منظور شناخت خودمان "چه کسی

¹ Endler & Parker

² Halamandaris & Power

³ Steinberg & Silverberg

⁴ Pineo

⁵ Bowen

⁶ Klever

⁷ Skowron & Dendy

هستیم"، "چه کسی نیستیم" و "زندگی چیست" می شود (بوون، ۱۹۷۸؛ یویا^۱، ۲۰۰۷). بعد بین فردی خودتمایزسازی به معنی توانایی فرد در کسب کنترل عاطفی و افکار براساس شخصیت خود و در عین حال ماندن در جو عاطفی شدید خانواده است، یعنی روابط فرد با دیگران و میزان امتزاج فرد با دیگران را نشان می دهد (سیدمحمدی، ۱۳۸۹؛ تیسون و فریدلندر^۲، ۲۰۰۰؛ ویفین^۳، ۲۰۱۲). چهار عامل مهم پیش بینی کننده سطح خودتمایزسازی می باشد: واکنش پذیری هیجانی، حساسیت بیش از حد در پاسخ دهی به محرک های محیطی اشاره دارد. جایگاه من، به احساس واضح طرفداری از عقاید خود در زمان تحت فشار قرار گرفتن برای عمل به شیوه ای متفاوت اشاره دارد. گسلس عاطفی، ترس از صمیمیت و احساس آسیب پذیری در روابط با دیگران است. آمیختگی با دیگران: به مثلث سازی و همانند سازی شدید با دیگران مربوط می شود (گلاد^۴، ۲۰۰۵؛ دیکسار^۵، ۲۰۰۸).

بوون بر این باور بود که سطح خودتمایز سازی فرد در خانواده اصلی اش به دست می آید و در آینده او تاثیر می گذارد (ماینارد^۶، ۲۰۰۰). به عقیده بوون همه بیماری های روانی و جسمانی، مشکلات اجتماعی و به ویژه مشکلات زناشویی با سطح خودتمایزسازی رابطه دارد (هراس^۷، ۲۰۰۸). افرادی که از سطح خودتمایزسازی بالایی برخوردارند قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند و رفتاری مستقل داشته و کمتر واکنش های هیجانی نشان می دهند. آنها تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند و در روابط بین فردی آرامش خود را حفظ می کنند (بوون، ۱۹۷۸). به لحاظ نظری خودتمایزسازی پایین به مشکلاتی از جمله نارضایتی زناشویی، مثلث سازی، درماندگی جسمانی و روانی، واکنش پذیری هیجانی، اضطراب مزمن و انتخاب همسر با سطح خودتمایزسازی مشابه منجر می شود (بوهلندر^۸، ۱۹۹۹؛ الیسون و رابین^۹، ۲۰۰۱؛ میلر^{۱۰}، ۲۰۰۴).

¹ Yooya

² Tuason & Friedlander

³ Whiffen

⁴ Glade

⁵ De Cesar

⁶ Maynard

⁷ Heras

⁸ Bohlander

⁹ Elieson & Rubin

¹⁰ Miller

سطح خودمتمایزسازی با توانایی فرد برای کاهش اضطراب ارتباط دارد (یوتن^۱، ۲۰۱۱). در پژوهش زارعی و حسینقلی (۱۳۹۳) پیش بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایز یافتگی خود در بین دانشجویان متأهل انجام شد. نتایج نشان داد که خودمتمایزسازی با تعهد زناشویی رابطه مثبت معنادار دارد. شاهقلیان و همکاران (۱۳۸۶) رابطه هوش هیجانی و سبک‌های مقابله با استرس با الگوهای ارتباطی میان زوجین را بررسی کرده‌اند. سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار رابطه مثبت و دو سبک هیجان‌مدار و اجتناب‌مدار رابطه منفی و معناداری با الگوهای سازنده متقابل نشان دادند. زارعی و همکاران (۱۳۹۰) تعیین سهم خودمتمایزسازی، اعتماد، شرم و گناه را در پیش بینی سازگاری زناشویی را بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که خودمتمایزسازی با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معنادار دارد.

تعهد زناشویی، قوی‌ترین و پایدارترین عامل پیش بینی کننده کیفیت و ثبات رابطه زناشویی است (دن و اسپانیر^۲، ۲۰۰۵). با این حال تاکنون در مورد رابطه دو متغیر خودمتمایزسازی و راهبردهای مقابله‌ای و نقش آن در ارتباط با تعهد زناشویی با روش مدل یابی معادلات ساختاری پژوهشی در کشورمان صورت نگرفته است. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی نقش پیش بینی کننده خودمتمایزسازی و راهبرد های مقابله‌ای در میزان تعهد زناشویی زوجین می‌باشد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر با در نظر گرفتن هدف آن بنیادی می‌باشد و با توجه به اینکه مداخله‌ای در مورد داده‌ها صورت نگرفته، توصیفی از نوع همبستگی است. همچنین این پژوهش از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری می‌باشد که هدف از آن بررسی رابطه سازه‌های نهان برونزا و درونزا موجود در مدل است. جامعه آماری این پژوهش را همه معلمان مدارس سطح شهر کامیاران و همسران آنها تشکیل می‌دهند که در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ مشغول به تدریس بودند. از این جامعه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۲۵۰

¹ Utne

² Dean & Spanier

زوج (۵۰۰ نفر) انتخاب شدند. برای تحلیل داده ها از دو نرم افزار Spss و Amos استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه تعهد زناشویی (DCI) آدامز و جونز: این پرسشنامه که ۴۴ گویه دارد و براساس طیف لیکرت نمره گذاری شده است، توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) با هدف سنجش تعهد زناشویی زوجین ساخته شده است. این پرسشنامه سه خرده مقیاس تحت عنوان تعهد به همسر (۱۰ گویه)، تعهد به ازدواج (۱۲ گویه) و احساس تعهد (۲۲ گویه) دارد. در ایران نیز شاه سیاه و همکاران (۱۳۸۷) اعتبار این پرسشنامه را تایید کرده اند. آنها پایایی این پرسشنامه را بر اساس آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۵ گزارش کرده اند.

پرسشنامه مقابله با شرایط پر استرس - فرم کوتاه (CISS-21): این پرسشنامه که حاوی ۲۱ عبارت در طیف لیکرت پنج درجه ای می باشد، توسط کالزبیک و همکاران براساس پرسشنامه اصلی مقابله با شرایط پر استرس (اندلر و پارکر، ۱۹۹۰) ساخته شده است و سه سبک مقابله اصلی مسئله مدار، هیجان مدار و اجتناب مدار را مورد ارزیابی قرار می دهد. سبک اجتناب مدار شامل دو بعد سرگرمی اجتماعی و توجه گردانی می باشد. بویسان (۲۰۱۲) ضریب آلفای خرده مقیاس مقابله مسئله مدار ۰/۷۲، مقابله هیجان مدار ۰/۷۷، و مقابله اجتنابی ۰/۷۴ را برآورد کرد. در ایران نیز بهادری (۱۳۹۱) آلفای کرونباخ را برای هر یک از سه سبک مقابله مسئله مدار، هیجان مدار و اجتناب مدار به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۷۱ و ۰/۷۹ گزارش کرده است.

پرسشنامه خودتمایزسازی (DSI): این پرسشنامه که توسط اسکورون (۲۰۰۰) ساخته شده است، ابزاری ۴۶ سؤالی است که به منظور سنجش میزان تمایز یافتگی افراد به کار می رود و از چهار خرده مقیاس شامل: «واکنش پذیری عاطفی»، «جایگاه من»، «گریز عاطفی» و «هم آمیختگی عاطفی با دیگران» تشکیل شده است. در پژوهش اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و پایایی خرده مقیاس های واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ محاسبه گردید. در ایران نیز اسکیان (۱۳۸۴) پایایی کل آزمون را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد کرده است.

یافته های پژوهش

با در نظر گرفتن اینکه پژوهش حاضر در میان زوجین صورت گرفته است بنابراین ۵۰ درصد از افراد نمونه را مردان و ۵۰ درصد دیگر را زنان تشکیل داده‌اند. میانگین سن شرکت کنندگان در کل ۳۳/۶۳ سال (انحراف معیار ۴/۸۶) و میانگین سن مردان ۳۸/۳۸ (انحراف معیار ۴/۷۱) و میانگین سن زنان ۳۱/۸۶ (انحراف معیار ۴/۳۴) بود. از لحاظ تحصیلات ۱۵۱ نفر دیپلم و پایین تر، ۶۹ نفر فوق دیپلم، ۲۲۴ نفر لیسانس و ۳۰ نفر فوق لیسانس و بالاتر داشتند.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار و همبستگی متغیرهای بررسی شده

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳
۱- تعهد زناشویی	۱۳۷/۹۰	۱۳/۷۳	۱		
۲- راهبرد های مقابله	۶۴/۵۰	۹/۱۵	*۰/۴۶	۱	
۳- خود متمایزسازی	۱۵۶/۱۷	۲۵/۳۴	*۰/۴۳	*۰/۳۷	۱

*P< 0/01

مطابق جدول شماره (۱) میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای تعهد زناشویی به ترتیب ۱۳۷/۹۰ (۱۳/۷۳)، برای راهبردهای مقابله ۶۴/۵۰ (۹/۱۵) و برای خودمتمایزسازی ۱۵۶/۱۷ (۲۵/۳۴) می باشد. با توجه به این جدول رابطه همبستگی مثبت و معنی داری بین تعهد زناشویی و راهبردهای مقابله (۰/۴۶)، تعهد زناشویی و خودمتمایزسازی (۰/۴۳) و راهبرد مقابله و خودمتمایزسازی (۰/۳۷) وجود دارد.

جدول شماره ۲: همبستگی بین خرده مقیاس های متغیرهای بررسی شده

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱- واکنش عاطفی	۱							
۲- جایگاه من	۰/۲۴	۱						
۳- گریز عاطفی	۰/۵۱	۰/۱۸	۱					
۴- آمیختگی با دیگران	۰/۶۳	۰/۰۶	-۰/۴۲	۱				
۵- مسئله مدار	-۰/۰۸	۰/۴۳	-۰/۰۶	-۰/۱۷	۱			
۶- هیجان مدار	۰/۴۹	-۰/۰۷	۰/۲۱	۰/۳۸	-۰/۱۳	۱		
۷- اجتناب مدار	۰/۱۳	۰/۰۰۷	-۰/۱۰	۰/۲۰	-۰/۰۱	۰/۲۲	۱	
۸- تعهد زناشویی	۰/۰۴	۰/۴۸	۰/۰۲	-۰/۱۰	۰/۳۹	-۰/۳۸	۰/۰۵	۱

مطابق جدول شماره ۲) همبستگی مثبت و معناداری بین تعهد زناشویی با خرده مقیاس جایگاه من (۰/۴۸) و بین تعهدزناشویی و راهبرد مسئله مدار (۰/۳۹) وجود دارد. همچنین همبستگی منفی و معنی داری بین تعهد زناشویی و راهبرد هیجان مدار (-۰/۳۸) وجود دارد. از طرفی همبستگی مثبت و معنادار بین خرده مقیاس های راهبرد مسئله مدار و جایگاه من (۰/۴۳)، بین خرده مقیاس های راهبرد هیجان مدار و واکنش عاطفی (۰/۴۹) و بین خرده مقیاس های راهبرد هیجان مدار و آمیختگی با دیگران (۰/۳۸) می باشد.

برای ارزیابی برازش الگوی معادلات ساختاری از چند شاخص استفاده می شود. سه شاخص برازش مطلق^۱ که در جدول شماره (۳) گزارش شده است، X^2 یا GFI، CMIN و AGFI می باشد که کاربرد زیادی در مدل سازی معادلات ساختاری دارد. شاخص برازش تطبیقی یا نسبی^۲ CFI نیز گزارش شده که مدل پیشنهادی را با مدل پایه که قائل به وجود واریانس بین متغیرها نیست، مقایسه می کند (هومن، ۱۳۸۴). همچنین شاخص های برازش مقتصد^۳ گزارش شده که شامل RMSEA و CMIN/df می باشد. در جدول شماره (۳) شاخص های برازش مربوط به مدل پیشنهادی بیان شده است. مقدار CMIN (۱۰۷/۸۷) با درجه آزادی ۲۸ در مقایسه با مدل مستقل که ۱۱۳۱/۸۸ می باشد، مقدار مطلوبی را نشان می دهد. مقدار مجذور کا نسبت به درجه آزادی CMIN/df (۳/۸۵) می باشد که با توجه به اینکه بین ۲ تا ۵ است، برازش قابل قبولی را نشان می دهد. شاخص AGFI، GFI و CFI ترتیب ۰/۹۶، ۰/۹۲ و ۰/۹۳ است که به دلیل نزدیک به یک بودن نشان دهنده برازش مطلوب مدل می باشد.

جدول ۳- شاخص های برازش مربوط به مدل پیشنهادی

شاخص	HOELTER	RMSEA	AGFI	CFI	GFI	CMIN/df	CMIN
برازش مدل تدوین شده	۲۱۴	۰/۰۷۷	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۶	۳/۸۵	۱۰۷/۸۷
مدل اشباع شده	---	---	---	۱	۱	---	۰/۰۰۰
مدل مستقل	۳۰	۰/۲۲۵	۰/۵۷۰	۰/۰۰۰	۰/۶۴۸	۲۵/۱۵۳	۱۱۳۱/۸۸

برازش مدل هایی که دارای مقادیر RMSEA بالاتر از ۰/۱۰ هستند ضعیف تلقی می شود که مقدار به دست آمده در مدل یعنی RMSEA (۰/۰۷۷) حاکی از خوب بودن آن است. شاخص HOELTER مناسب بودن حجم نمونه را مشخص می کند، که مطابق

¹ Absolute Fit Indices

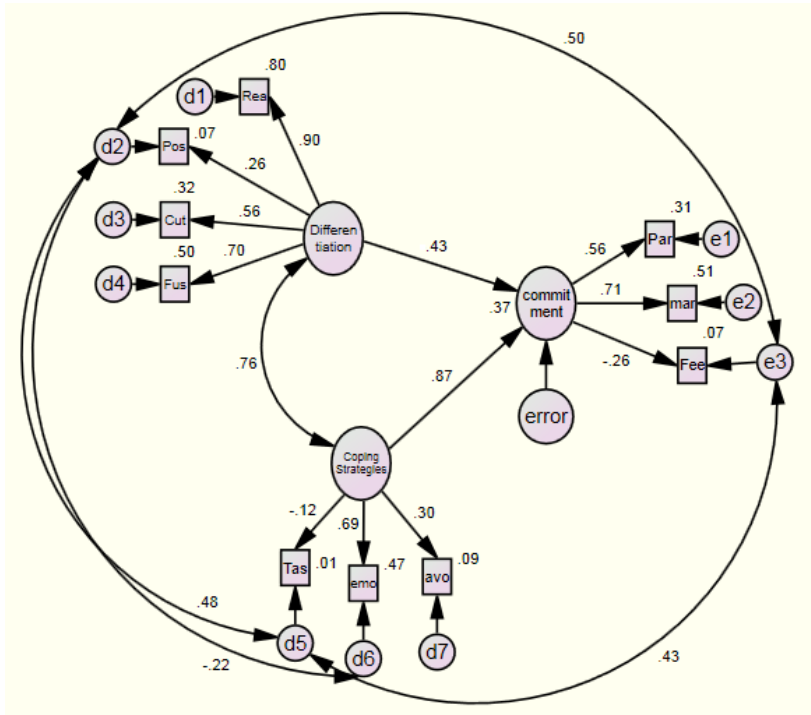
²Comparative Fit Indices

³Parsimonious fit Indices

جدول بالا مقدار آن در سطح ۰/۰۱، ۲۱۴ است و بنابراین حجم نمونه کافی بوده است. نمودار (۱) الگوی تایید شده مدل معادلات ساختاری برای سه متغیر خودتمایزسازی، راهبردهای مقابله‌ای و تعهد زناشویی را نشان می‌دهد که تمام وزن‌های رگرسیونی معنی‌دار هستند.

مدل پیشنهادی در نمودار (۱) نشان دهنده این می‌باشد که سطح خودتمایزسازی و راهبردهای مقابله‌ای زوجین بر تعهد زناشویی آنها تاثیر می‌گذارد و توانایی پیش‌بینی میزان تعهد زناشویی آنها را دارد. مطابق نمودار بالا خودتمایزسازی (۰/۴۳) و راهبردهای مقابله‌ای (۰/۸۷) بر تعهد زناشویی زوجین تاثیر دارد. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌شود، بین خودتمایزسازی و راهبردهای مقابله‌ای زوجین نیز همبستگی بالایی (۰/۷۶) دیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که ترکیبی از این دو متغیر تعهد زناشویی را بهتر پیش‌بینی می‌کند. از بین خرده‌مقیاس‌های خودتمایزسازی، واکنش‌پذیری عاطفی (۰/۹۰) بیشترین تاثیر بر روی این متغیر گذاشته است. در میان خرده‌مقیاس‌های راهبردهای مقابله‌ای، راهبرد هیجان‌مدار (۰/۶۹) بیشترین تاثیر بر روی این متغیر داشته است. همچنین بیشترین تاثیر که در میان خرده‌مقیاس‌های تعهد زناشویی بر روی آن گذاشته است، مربوط به خرده‌مقیاس تعهد به ازدواج (۰/۷۱) می‌باشد.

تمام مسیرهای کواریانس نیز معنی‌دار است ($P < 0/05$). همبستگی مثبت و معنی‌دار بین خرده‌مقیاس‌های احساس تعهد و جایگاه من (۰/۵۰)، احساس تعهد و راهبرد مسئله‌مدار (۰/۴۳) و بین راهبردهای مسئله‌مدار و جایگاه من (۰/۴۸) وجود دارد. از طرفی همبستگی منفی و معنی‌داری بین خرده‌مقیاس‌های جایگاه من و راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار (۰/۲۲) وجود دارد.



نمودار شماره (۱). مدل معادلات ساختاری برای خودمتمایزسازی و راهبرد های مقابله ای با

تعهد زناشویی

بحث و نتیجه گیری

خانواده کانون التیام بخش دردها و محل ارضاء نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی است که خمیرمایه هیجانی انسان در دوران کودکی و در سیستم خانواده شکل می گیرد (ثنائی، ۱۳۸۷؛ امانی و بهزاد، ۱۳۹۰؛ عدالتی و ردزان^۱، ۲۰۱۰). یکی از کارهایی که خانواده سالم انجام می دهد، ایجاد احساس تعهد در قبال دیگر اعضای خانواده می باشد. در خانواده های متعهد، اعضا نه تنها خود را وقف آسایش و بهزیستی خانواده می کنند بلکه به رشد و تعالی هر یک از اعضای خانواده کمک می کنند (هاریس^۲، ۲۰۰۶). تعهد موجب پایدار نگه داشتن رابطه به هنگام مواجهه با مشکلات و شرایط دشوار زندگی می

¹Redzuan

²Harris

گردد (برایتون^۱، ۲۰۰۲) و در مقابل فقدان تعهد زناشویی مهمترین عامل مؤثر در بروز طلاق محسوب می‌گردد. تعهد زناشویی به عنوان یک مکانیسم کنترل وحشت عمل می‌کند و در رابطه اعتماد و گرمی می‌آفریند (فلورین، میکولنکر و هیرشبرگر^۲، ۲۰۰۲).

نتایج پژوهش ویسون و الشیخ^۳ (۲۰۰۳) و مسترز (۲۰۰۸) نشان داد که سلامت روانی بالا باعث افزایش تعهد زناشویی می‌شود و افراد به جای پیمان شکنی از مهارت‌های مناسب حل مسئله استفاده می‌کنند. بنابراین مطالعه متغیرهایی که بر تعهد زناشویی تاثیر گذارند از اهمیت بالایی برخوردار است. با در نظر گرفتن این مطالب، هدف پژوهش حاضر بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده خودتمایزسازی و راهبردهای مقابله ای در میزان تعهد زناشویی زوجین می‌باشد. با توجه به شاخص‌های برازش در جدول شماره (۳) و نمودار شماره (۱)، فرضیه پژوهش به صورت کلی تایید گردید. یعنی تعهد زناشویی با متغیرهای خودتمایزسازی و راهبردهای مقابله‌ای قابل پیش‌بینی می‌باشد. در مجموع نتایج جداول و نمودار مدل پیشنهادی نشان می‌دهد که بین خرده مقیاس احساس تعهد با جایگاه من در متغیر خودتمایزسازی و راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار رابطه مثبت و معنی‌دار برقرار است. بنابراین، هرچقدر سطح خودتمایزسازی فرد بالاتر باشد، احساس تعهد بالاتر می‌رود و استفاده از راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار نیز بیانگر تعهد زناشویی بالاتر می‌باشد.

همچنین همبستگی منفی و معنی‌داری بین تعهد زناشویی و راهبرد هیجان‌مدار وجود دارد. به این معنی که استفاده از راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار نشان دهنده تعهد زناشویی پایین خواهد بود و البته عکس این قضیه نیز صادق است که تعهد زناشویی پایین مؤید استفاده بیشتر از راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار می‌باشد. از سوی دیگر بین خودتمایزسازی و راهبرد مقابله‌ای همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت بهتر هر چقدر سطح خودتمایزسازی زوجین بالاتر باشد، از راهبرد مقابله‌ای مفیدتری در هنگام مواجهه با استرس استفاده می‌کنند. نتایج دقیق‌تر حاکی از این است که خرده مقیاس جایگاه من در متغیر خودتمایزسازی، رابطه مثبت و معنی‌داری با راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار و رابطه منفی و معنی‌داری با راهبرد هیجان‌مدار دارد. به علاوه بین خرده مقیاس‌های راهبرد هیجان‌مدار

¹Barrington

² Florian, Mikulincer & Hirschberger

³ Whitson & El-Sheikh

با واکنش عاطفی و با آمیختگی با دیگران در متغیر خودمتمایزسازی رابطه مثبت و معنی دار برقرار است، که به این معنی می باشد که سطح خودمتمایزسازی پایین موجب استفاده از راهبرد هیجان مدار می شود.

به طور کلی نتایج نشان داد که سطوح بالای خودمتمایزسازی و استفاده از راهبرد مفید مقابله‌ای (مسئله مدار) می تواند پیش بینی کننده تعهد زناشویی بالاتر در افراد باشد و تعهد زناشویی بیشتر از آنکه تابع جنسیت باشد، متاثر از ویژگی های روانی و شخصیتی فرد و کیفیت زندگی زناشویی می باشد. لذا به مشاوران خانواده و دیگر متخصصان بالینی توصیه می شود که در اصلاح راهبردهای مقابله‌ای نامناسب و آموزش هرچه بیشتر راهبردهای مناسب و روش های بالابردن سطح خودمتمایزسازی افراد، در جهت بالا بردن تعهد زناشویی گام بردارند و مانع از سست شدن و فروپاشی نهاد خانواده شوند. از محدودیت های این پژوهش، می توان به نوع شرکت کنندگان در پژوهش می باشد که بیشتر از حد معمول افراد نمونه در این پژوهش کارمند و باسواد در حد لیسانس بودند. در نتیجه در تعمیم دادن یافته‌های این پژوهش باید احتیاط نمود. پیشنهاد می شود که پژوهش مشابه در جامعه های آماری دیگر تکرار شود.

منابع

- امانی، احمد. بهزاد، داوود. (۱۳۹۰). اثربخشی طرحواره های درمانی در ارتقا تعهد زناشویی و عزت نفس زوج ها. *مجله پژوهش های مشاوره*. (۱۱)، ۴۱، ۱۳۳-۱۱۷.
- اولیاء، نرگس. (۱۳۸۸). *آموزش غنی سازی زندگی زناشویی*، تهران: دانژه.
- ثنایی، باقر. (۱۳۸۷). *مقیاس های سنجش خانواده*، تهران: انتشارات بعثت.
- چراغی، م. (۱۳۸۹). *رابطه هوش هیجانی و ارتباط ولی - فرزندی با شیوه های مقابله با استرس در نوجوانان*، پایان نامه کارشناسی ارشد، مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- حیدرعلی، هومن. (۱۳۸۴). *مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل*، تهران: نشر سمت.
- دی، آنجلیس، باربارا. (۱۳۸۲). *آیا تو آن گمشده ام هستی؟* (ترجمه هادی ابراهیمی). تهران: انتشارات نسل نواندیش.
- رایس، ف. (۱۳۸۷). *رشد انسان*، ترجمه مهشید فروغان، تهران: نشر ارجمند.
- زارعی، س. حسینقلی، ف. (۱۳۹۳). پیش بینی تعهد زناشویی بر پایه عواطف خودآگاه (شرم و گناه) و تمایز یافتگی خود در دانشجویان متأهل. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، (۱) ۴، ۱۳۳-۱۱۳.

تبیین مدل نظری برای خودتمایزسازی، راهبرد های مقابله ای و تعهدزناشویی زوجین
 Explanatory theoretical Model for Differentiation of Self,

- سید محمدی، یحیی. (۱۳۸۹). *نظریه های روان درمانی*. تهران: انتشارات رشد.
- شاهقلیان، م. جان نثار شرق، ر. عبداللهی، م. (۱۳۸۶). رابطه هوش هیجانی و سبک های مقابله با استرس با الگوهای ارتباطی میان زوجین. *مجله پژوهش های مشاوره*، (۲۲) ۷۳-۸۸.
- غضنفری، ف. قدم پور، ع. (۱۳۸۷). بررسی رابطه راهبردهای مقابله ای و سلامت روان در ساکنین شهر خرم آباد. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۰، ۴۷-۵۴.
- فرزین راد، بنفشه. اصغرنژاد، فرید. یزدان دوست، رخساره. حبیبی عسگرآباد، مجتبی. (۱۳۸۹). مقایسه راهبردهای مقابله ای و سبک های شخصیتی در دانشجویان افسرده و غیر افسرده. *مجله علوم رفتاری*، ۴، ۱۷-۲۱.
- کاوی، استیون. (۱۳۸۸). *هفت عادت خوب خانواده*، ترجمه سوسن ملکی، تهران: ذهن آویز.
- کریمیان، نادر. کریمی، یوسف. بهمنی، بهمن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ابعاد سلامت روان و احساس گناه با تعهد زناشویی افراد متأهل. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*. (۱) ۲، ۲۴۳-۲۵۶.
- میرمحمد صادقی، مهدی. (۱۳۸۴). *آموزش پیش از ازدواج*. تهران: سازمان بهزیستی.
- نجاریان پور، سمانه. (۱۳۸۷). تاثیر آموزش تعهد پیش از ازدواج بر بهبود ویژگی های تعهد در دختران دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا. *فصلنامه خانواده پژوهی*، (۱۳) ۴، ۷۷-۸۶.
- یوسفی، ناصر. اعتمادی، عذرا. بهرامی، فاطمه. بشلیده، کیومرث. شیرینی، ناصر. (۱۳۸۹). بررسی روابط ساختاری آسیب شناسی خودتمایزسازی در خانواده درمانی بون با بهزیستی ذهنی، سلامتی روانی و بهداشت کیفیت زناشویی «برازش نظریه بون». *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد*، (۱۲) ۳، ۶۸-۷۶.

- Adams, J. M., & Jones, T. (1997). The conceptualization of marital commitment: An integrative analysis. *Journal of personality and social psychology*, 72, 1177-1196.
- Arieta, M. T. (2008). Women s'couple relationship satisfaction: The impact of family structure and interparental conflict. *Unpublished Doctoral Dissertation*. Sanfrancisco University.
- Barrington, H. Brennen. (2002). Is commitment enough? www.sounds of encouragement.com.
- Bohlander, R. W. (1999). Differentiation of self, need fulfillment, and psychological well-being in marriedmen. *Psychological Reports*, 84, 1274-1280.
- Bowen, M (1978). *Family therapy in Clinical Practice*. New York: Aronson.
- Brandau-Brown, F. E. & Ragsdale, J.D. (2005). Twe cultures: A gendered approach to commitment and relational repair in marriage. *Intercultural Communication Studies XIV*3.
- Cheng YY, Kuo CH, Hsieh WL, Lee SD, Lee WJ, Chen LK, et al. (2012). Anxiety, depression and quality of life(QoL) in patients with chronic dizziness. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 54(1), 131-135.
- Coan, S. (2004). The impact of residential experience on the Division of Household labor, conflict patterns, differentiation, and marital satisfaction. Unpublished Doctoral Dissertation.
- Dean, D, G, Spanier, G, B. (2005). Commitment: An overlooked variable in marital adjustment. *Sociological Forc*, 7, 113-8.
- DeCesar, S, D. (2008). Anxiety and depression: self-differentiation as a unique predictor. Unpublished doctoral issertation, Faculty of psychology and counseling, Mary wood University, Utah.

- Edalati, A., & Redzuan, M. (2010). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American Science*, 6(4), 132- 137.
- Elieson, m. v. & Rubin, L. J. (2001). Differentiation of self and major depressive disorders: A test of Bowen theory among clinical, traditional, and internet groups. *Family therapy*, 29, 125-142.
- Endler, N. S., & Parker, J. D. A. (1990), State- trait coping, Trait anxiety and academic performance, *Personality and individual difference*, vol(16). No. 5. pp. 663 - PP. 663 – 676.
- Florian, V., Mikulincer, M., & Hirschberger, G. (2002). The anxiety buffering function of close relationship: Evidence that relationship commitment acts as a terror management mechanism. *Journal of Personality Social Psychology*, 82(4), 527-542.
- Glade, A.C. (2005) Differentiation, marital satisfaction and depressive symptoms: an application of Bowen theory. Unpublished doctor dissertation, School of Family Research, The Ohio State University, Ohaio
- Halamandaris, K. F., & Power, K. G. (1999). Individual differences, social support and coping with the examination stress: A study of the psychosocial and academic adjustment of first year home students. *Personal Individ Differences*, 26(4), 665-685.
- Harris, V. W. (2006). Marital quality, context, and interaction: A comparison of individuals across various income levels. *Sci Context*, 17, 48-52.
- Heras, J. E. (2008). A clinical application of *Bowen family systems theory* [On-line]. Available: www.thebowencenter.org
- Impett, E. A. Beals, K. P. & Peplau, A. A. (2001). Testing the investment model of relationship commitment and stability in a longitudinal study of married couples. *Current Psychology*, 20 (4) , 312-326.
- Kapinus, C. A., Johnson, m. p. (2003). The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tools. Commitment and family life- cycle stage. *Journal of family issues*, 24(2), 155-184.
- Karekla, M., & Panayiotou, G. (2011). Coping and experiential avoidance: Unique or overlapping constructs? *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 43, 163-170.
- Klever, Ph. (2009). Goal differentiation effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital Family Therapy*, 35(3), 308-24.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). Stress, appraisal, and coping. New York: Springer.
- MacCarthy, B. (1999). Marital style and its' effects on sexual desire and functioning. *J Fam Psycho Ther*, 10: 1-12.
- Masters, A. (2008). Marriage, commitment and divorce in a matching model with differential aging. *Review of Economic Dynamics*, 11 , 614–628.
- Maynard, S. (2000). Growing up in an alcoholic family system: The effect on anxiety and differentiation of self. *Journal of Substance Abuse*, 9. 161-170.
- Miller, R. (2004). Is Bowen theory valid? A review of basic research. *Journal of marital and family therapy*.
- Moos, R.H., Billings, A.G. (1982). *Conceptualizing measuring coping resources and process*. In L. Goldbreger, and S. Breznitz (Eds), *Handbook of stress*. New York: free Press. pp. 212-230.
- Mosko, J. (2009). Commitment and attachment dimensions. In partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy: Purdue University.
- Nygren, M, Carstensen J, & Ludvigsson J. (2012). Adult attachment and parenting stress among parents of toddlers. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, 30, 289-302.
- Panthee B, Kritpracha C, Chinnawong, T. (2011). Correlation between Coping Strategies and Quality of Life among Myocardial Infarction Patients in Nepal. *Nursing*, 1 (2), 187-194.

Explanatory theoretical Model for Differentiation of Self,

- Pihet, S., Kayser K. (2006). The relationship between dyadic coping and marital quality: a 2-year longitudinal study, *Journal of Family Psychology*, 20, 485-93.
- Pineo, P. (2012). Disenchantment in the later years of marriage. *Marriage and Family Living*, 23, 3-11.
- Schwarzer, R., Schwarzer, Ch. (1996). A critical survey of coping instruments. In M. Zeinder & N.S Endler (Eds). *Handbook of coping*. New York: Wiley.
- Skowron, E. A., & Dendy, A. K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: relational correlates of effortful control. *Contemporary Family Therapy*, 26, 337-357.
- Soulas T, Sultan S, Gurruchaga JM, Palfi S, Fénelon, G. (2012). Changes in quality of life (QoL), burden and mood among spouses of Parkinson's disease patients receiving neurostimulation. *J Parkinsonism & Related Disorders*, 18(5),602-5.
- Steinberg, L., & Silverberg, S. B. (2012). Influences on marital satisfaction during the middle stage of the family life cycle. *Journal of Marriage and the Family*, 49, 751-760.
- Tangir, E., Lippman, G. & Glaser, M. (2010). "The relationship between coping stress and social isolation in the women with breast cancer. *Journal of behavioral medicine*. 1, 155-161.
- Tilghman-Osborne, C., Cole, D. A., et al. (2008). *Relation of Guilt, Shame, Behavioral and Character logical Self- Blame to Depressive Symptoms in Adolescents Over Time*, Guilford Publications. 27, 809-842.
- Tuason, M. T, & Friedlander, M. L. (2000). Do parents' differentiation levels predict those of their adult children? And other tests of bowen theory in Philippine sample. *Journal of Counseling Psychology*, 47(1),27-35.
- Utne, M. K., Hatfield, E., Traupmann, J., & Greenberger, D. (2011). Equity, marital satisfaction and stability. *Journal of Social and Personal Relationships*, 1, 323-332.
- Whiffen, V. (2012). Disentangling causality in the association between couple and family processes and depression. In J. L. Lebow., & W. M. Pinsof. (Eds.), *Family Psychology: The art of the science* (pp. 375-396). London: Oxford University Press.
- Whitson, S., El-Sheikh, M. (2003). Marital conflict and health: Processes and protective factors. *Aggression and Violent Behavior*, 8, 283-312.
- Yooya .Y. (2007). The relationship among the family functioning, self-differentiation and junior high school student's irrational beliefs.